

مروری بر جانمایی کووید ۱۹

در آینده متون نمایشی در گفت و گو با کوروش نریمانی

# کرونا، طنز تلخ زندگی بشر امروز

محسن بوالحسنی  
خبرنگار

یکه‌تازی کرونا در جهان همچنان ادامه دارد و هر روز همان قدر که قربانیان بسیار می‌گیرد، به همان اندازه هم شیوه و روش متفاوتی را برای ابتلا و از پای در آوردن مردم به کار می‌گیرد که همه این‌ها مقطع کنونی زندگی بشر را با چالشی عجیب روبه‌رو کرده که شاید به سختی بتوان نمونه‌ای برای آن پیدا کرد؛ هیچ‌سک بدرستی نمی‌داند تا چه زمانی این اپیدمی حرف اول جهان و مردمش خواهد بود و آمارها تا کی هر روز با تعداد بی‌شمار قربانی بالا و پایین می‌رود اما نکته مسلم، تأثیر این پدیده بر مناسبات اجتماعی و فرهنگی مردم است و تغییر در سبک زندگی و نوع نگاه و جهان‌بینی‌شان در مورد امروز و آینده. این تأثیر بی‌شک، اثرات خود را در گونه‌ها،

■ به‌نظر شما آیا وضعیت پیچیده جهان امروز با بروز و ظهور ویروس کرونا در شکل و شمایل نمایشنامه‌نویسی روزگار پیش رو تأثیری خواهد گذاشت یا خیر؟

بدون تردید این اتفاق آنقدر بزرگ است که نه فقط در حوزه نمایشنامه‌نویسی و تئاتر بلکه در حوزه‌های دیگر هنری نیز تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی خواهد داشت. به نظر می‌رسد هنرمندان به دو شکل با این مسأله در آینده روبه‌رو خواهند شد؛ یک شکل، برخورد عجولانه و سردستی و شکلی دیگر برخوردی عمیق‌تر خواهد بود. فکر می‌کنم بخشی از هنرمندان عمیق‌تر به این مسأله فکر خواهند کرد و در این تعقل و تفکر و عمل خلاقه نوشتن، مسأله آنها تنها کرونا نخواهد بود چرا که ویروسی به‌نام کووید۱۹ تغییر عمده و بنیادین در جهان بینی انسان‌ها به وجود آورده و آن بخش از هنرمندانی که به مسأله عمیق‌تر فکر خواهند کرد ممکن است در کوتاه مدت اثری خلق نکنند اما در دراز مدت آثارشان تحت تأثیر این موضوع مهم و بنیادین قرار خواهد گرفت و بی‌شک نمی‌توانند از این تغییر بنیادی و جهان‌شمول دور بمانند.

■ به‌نظر شما شکل و شمایل این بروز و ظهور در آثار نمایشی ما چگونه خواهد بود؟ حقیقت این است که نمی‌شود نسخه‌ای برای هنرمند تجویز کرد اما تجربه نشان می‌دهد که برخورد با مسأله‌ای در این حد گسترده و جهان‌شمول مسابقه نیست که بگوییم چه کسی اول به آن پرداخته یا چه کسی آخر. ممکن است همان اولین هنرمندی که می‌آید و در متن خود به تأثیر این ویروس بر زندگی بشر معاصر و مناسباتش می‌پردازد، اتفاقاً روحیه خلاق و بکر داشته باشد و بتواند یکی از ماندگارترین آثار را در این حوزه تولید کند یا برعکس، ممکن است کسی که همان اول کار می‌آید و از این موضوع تأثیر می‌گیرد چیزی بنویسد مد‌دستی و در حد گزارش‌های یومیه و ژورنالیستی که از ارزش هنری تهی باشد یا آن‌چنان شاخص نباشد و کسانی که در ادامه و با تأخر به آن می‌پردازند و البته با فاصله و درک درست از موضوع، آثار قابل تأمل و توجهی خلق کنند. پس این‌جا دو بحث در میان است، یکی روحیه خلاقانه و بکر هنرمند و دیگری ژانر کاری او. بعضی‌ها براساس همین ژانر کاری، ممکن است با موضوع، ترازیک برخورد کنند و بعضی دیگر رمانتیک یا کسی دیگر مثل من با طنز تلخ. من از آن دسته هستم که به موضوع به این شکل و شیوه نگاه می‌کنم و مسأله برای من به یک شوخی شبیه است، شوخی‌ای که حتی بالاتر از ترازوی قرار خواهد گرفت. در واقع نگاه من، یک نگاه طنز آلود شاید از جنس نگاه طنز تلخ و جدی به جهان باشد چون فکر می‌کنم و عقیده دارم که ماهیت یک موجود ذره‌بینی به‌عنوان ویروس کرونا که می‌تواند جهان را چنین تحت‌تأثیر قرار دهد، امروزه است. انکار این زندگی است که به ما می‌گوید من شوخی هستم پس من را و حتی خودتان را اینقدر جدی نگیرید.

■ یکی از اشکال این موقعیت، عدم شباهت با دیگر موقعیت‌ها در گذشته است. خود مسأله تلخ اما بکر است و تجربه‌ای در این زمینه وجود ندارد که چطور باید با چنین چیزی برخوردی هنرمندانه داشت، البته نمونه‌هایی مثل بیماری‌ها یا بلاای طبیعی وجود داشته اما با ماهیت و شکل و شرایطی کاملاً متفاوت. می‌شود آنچه در تاریخ گذشته بشر وجود دارد و در آثار هنری بروز و ظهور پیدا کرده را با آنچه امروز شاهدش هستیم در یک قالب و نگاه «این‌همانی» قرار بدهیم و از همان روش‌ها استفاده کنیم؟

نکته درستی است. ببینید همان‌طور که اشاره کردید بلاای طبیعی یا غیرطبیعی تا

و بخش پزشکی داستان نیست بلکه مهم‌تر از آن، تأثیری است که این پدیده بر جهان‌بینی انسان‌ها گذاشته و خواهد گذاشت، البته جنگ و بلاای طبیعی و... هم بی‌شک تأثیر خود را روی زندگی مردم می‌گذارد اما هم به لحاظ گسترده‌گی و هم از لحاظ عمق تأثیری که چه مثبت و چه منفی بر مراودات و شکل‌های زندگی اجتماعی می‌گذارد، همگی می‌توانند سوژه‌ای برای پرداخت و تحقیق و پژوهش برای جامعه‌شناسان، هنرمندان و روانشناسان باشد. به عقیده من، بشر امروز فعلاً درگیر روینای تأثیرات این بیماری است و چنین رویکردی هم طبیعی به‌نظر می‌رسد؛ عمق داستان چندسال بعد خود را نشان خواهد داد که چه بسا از اتفاق و دورانی تلخ، نتیجه و تأثیری مثبت حاصل شود.

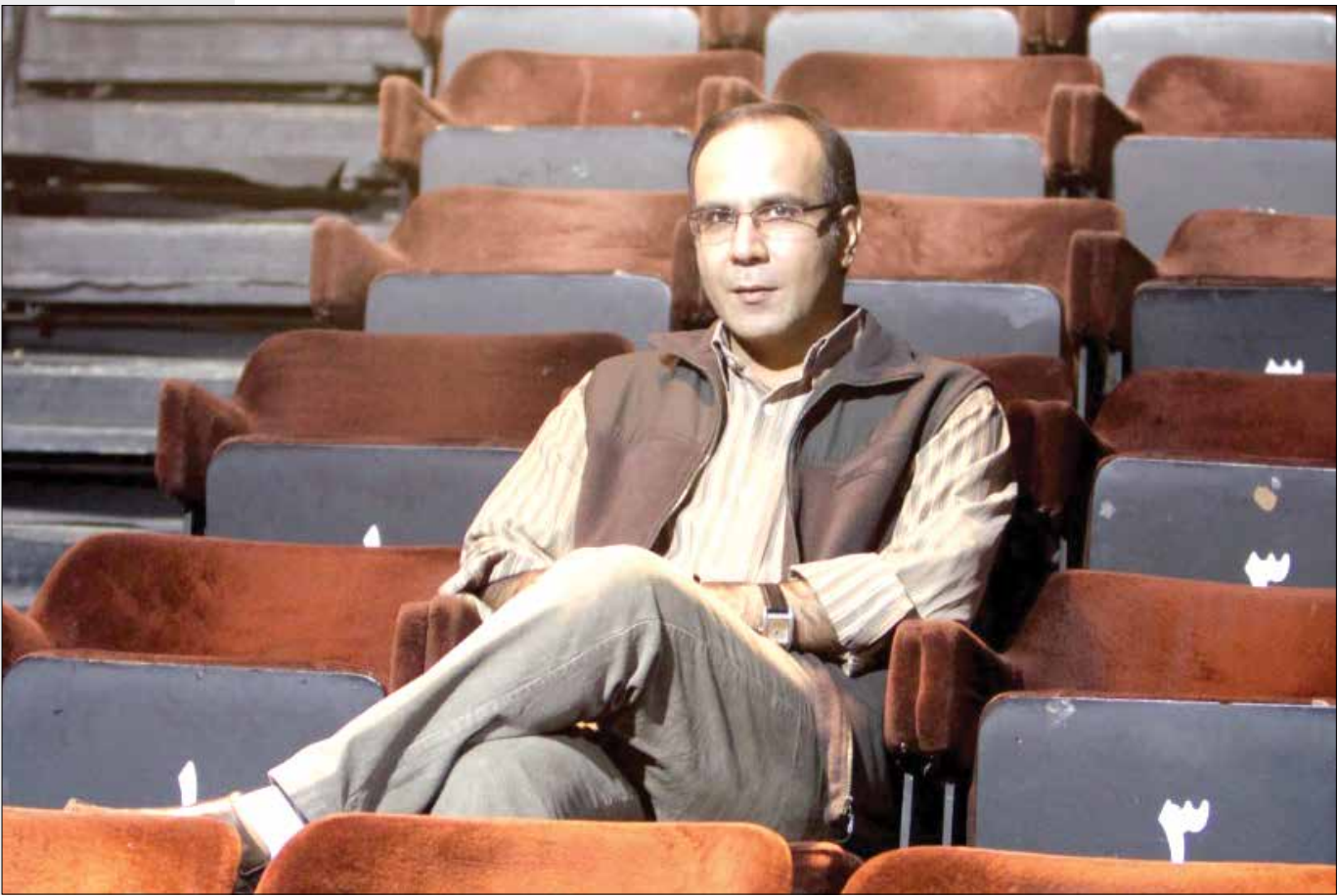
■ خود شما طی چندماه اخیر در خلوت خود به نوشتن نمایشنامه‌ای با این رویکرد فکر کرده‌اید یا دست به نوشتن پروژه‌ای با این فرم و محتوا برده‌اید؟ به صورت جدی روی یکی دو سوژه فکر کردم که برای من به شخصه تأثیر این ویروس بر زندگی آدم‌ها و مناسبات اجتماعی شان بیش از هر چیز مهم و جلوه‌گر به نظر می‌رسد؛ در واقع سوژه‌هایی که به آنها فکر کردم هم برآمده از همین نوع نگاه و تأثیر است و جالش و تلاطمی که در سطح یک سرزمین به‌وجود آورده است. با این حال همان‌طور که گفتم زاویه دید و ژانری که من اصولاً در کارهایم به آن نظر دارم همان پرداخت طنز یا بهتر است بگویم طنز تلخی است که در چنین موقعیت‌هایی می‌شود از دل مسأله بیرون کشید.

■ به‌عقیده شما نگاه هنرمندان در غرب و شرق در چنین مدل‌هایی که جهان‌شمول هستند و به اصطلاح پاندمی‌هایی در سطح هسته‌گیری بین‌المللی، با هم متفاوت است یا نه؟ این جهان‌شمول بودن موضوع، یک شکل از هم‌اندیشی مشترک را رقم می‌زند؟ به هر حال این طبیعی است که هر هنرمند در هر جای دنیا از نقطه نظر و با توجه به داشته‌های فرهنگی خودش به موضوع‌های مختلف نگاه کند؛ در کنار این مسأله، به‌عنوان مثال ما در کشورمان با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستیم که باید آنها را هم مد نظر قرار بدهیم و طوری به مسأله و موضوع بپردازیم که قابلیت

اجرای داشته باشد و عقیم نماند. علاوه بر این، بدون شک مردم هر سرزمینی براساس آداب، رسوم و فرهنگی رشد و تربیت پیدا کرده‌اند و نویسنده‌ها و هنرمندان‌شان نیز تربیت‌یافته همین فرهنگ و آداب و رسوم هستند و در چنین بستری خلق اثر می‌کنند. این تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در سرزمین‌های مختلف تفاوت‌هایی در ارائه اشکال هنری ایجاد خواهد کرد، ولی به عقیده من در این مورد به نظر می‌رسد هنرمندان جهان تقریباً حرف و محتوا ی آثارشان بسیار به هم نزدیک خواهد شد.

■ و سؤال آخر اینکه چندماه دوری از صحنه تئاتر برای شما چگونه گذشت و چطور برگزار شد؟

درست مثل همه مردم؛ چون فکر نمی‌کردیم که چقدر این ماجرا طول خواهد کشید و هنوز هم نمی‌دانیم، بخشی از آن در بلاکتلیفی و بخشی هم در ترس و اهمه و احتیاط گذشت؛ به لحاظ شخصی اما در کنار همه تلخی‌های آنچه می‌دیدم و می‌شنیدم، بخش شیرینی هم وجود داشت. سعی کردم در این مدت و فرصت چیزی به‌عنوان زمان را از دست ندهم و همین باعث شد کمی به خودم رجوع کنم و ببینم باید چه کارهای ناکرده‌ای را سر و سامان بدهم تا صد درصد مقهور موقعیت و ایستایی شرایط نشوم. اگر حمل برخوردستایی و اغراق نباشد خیلی کتاب خواندم، فیلم دیدم و چند کاری که با نوشتنی بود و به دلایل متعدد عقب‌افتاده بود تمام کردم و همان‌طور که پیش‌تر در صحبت‌ها به آن اشاره کردم فرصتی بود برای فکر کردن به همین مسأله‌ای که با آن روبه‌رو هستیم؛ اینکه کجا ایستاده‌ایم و چه اتفاقی افتاده و این اتفاقات و ماجرای به این گسترده‌گی را چطور باید در آثارمان انعکاس بدهیم و پیش روی چشم کسانی بگذاریم که احتمالاً بعد از عبور از این مرحله می‌خواهند با روایت هنرمندان از این روزها و ماه‌ها آشنا شوند و خود را در آینه هنر دوباره تماشا کنند. به هر صورت، هیچ وضعیتی دائمی نیست و تا وقتی زنده هستیم و نفس می‌کشیم باید به این فکر کنیم که این شوخی زندگی با بشر هم بالاخره تمام می‌شود و شاید شوخی دیگری پس از چندی خود را نشان بدهد. این فکرها چیزی است که روزهای من را با خودش به جلو می‌برد.



محمّد احمدی، ایران

تاریخ تئاتر شهادت می‌دهد

قطب‌الدین صادقی  
پژوهشگر تئاتر و استاد دانشگاه

اگر نوشتن متون ادبی و هنری، علی‌الخصوص نمایشنامه‌نویسی همراه با پرداخت هنری، جدی و زیباشناختی باشد در هر دوره و زمانی جذاب خواهد بود و تأثیرگذار؛ اما قاعدتاً بعد از هر فاجعه و بحرانی باید اجازه داد چند سال از آن بگذرد تا نه‌شنین شود و بتوان از زاویه دقیق و درستی به آن نگاه کرد و مورد تحلیل قرارش داد، مثل جنگ جهانی دوم که در دوران جنگ، نمی‌شد و نشد که اثر بزرگ هنری خلق شود اما ده سال گذشت تا مسأله نه‌شنین شود و شناخت درستی نسبت به آن پیدا شود. فاصله گرفتن عقلانی از چنین پدیده‌هایی و البته داشتن قدرت تحلیل اکثر هنرمند را به سمت و سوی برخورد احساسی با مسائل می‌کشاند و اجازه دقت و تأمل در مسأله را به او نمی‌دهد. به نظر من حتی اگر در آینده هم درباره موضوعی مثل کرونا بخوایم حرف بزنیم و بنویسیم، باید با یک زیباشناسی و با زبان دیگر به سراغش برویم طوری‌که آشنایی زیادی در آن اتفاق افتاده باشد و از این منظر و زاویه بتوانیم چشم‌انداز متفاوتی به موضوع داشته باشیم. توجه داشته باشیم که امروز مردم آنقدر در اخبار و محیط اطراف خود درباره موضوعی مثل کرونا امری طبیعی است، پس همان‌طور که آمد باید اجازه بدهیم که از این دوران عبور کنیم و نسبت به آنچه اتفاق افتاده و تمام بشریت را به این شکل با خود درگیر کرده و به یک فاجعه تبدیل شده شناخت بهتری پیدا کنیم و زوایای نامکشوف‌اش را بشکافیم و بر آن محیط وارد شویم. تسلط فنی و تکنیکی موضوع و مسأله ضروری دیگری است که باعث می‌شود هر کسی نتواند از عهده تبدیل این موضوع به یک اثر خلاق هنری در متون نمایشی و... بریابد. پرداختن به چنین موضوعی به قدرت بالای تحلیل نویسنده نیاز دارد تا بتواند از دل این قضیه چیزی را در قد و قامت هنر بیرون بکشد که هم برای خود ما و هم برای نسل‌های بعدی آموزنده باشد. خود من اخیراً چیزی نوشته‌ام که به هیچ‌وجه ظاهرش شبیه داستان امروز و بحث کرونا به‌عنوان یک موضوع مستقیم نیست؛ برای این کار به دل تاریخ زدم و اتفاقات و مسائل مشابه را مورد مذاقه و واکاوی قرار دادم و با بیرون کشیدن اطلاعات که از دل کتاب‌هایی دریافت کردم به نمادهایی تازه رسیدم که به کار من رنگ و بویی تازه می‌دهد و با امروز هم همخوانی و نزدیکی دارد. هدف این است که به آن اشباع شدگی برنگردیم. باید دقت کنیم که به‌عنوان مثال نویسنده بزرگی مثل ساموئل بکت «در انتظار گودو» را طوری نوشته که انگار هیچ ربطی به جنگ جهانی دوم ندارد اما اتفاقاً کاملاً به همین موضوع مربوط است و او در افقی که ترسیم می‌کند این جنگ و نتایجش را پیش چشم مخاطب می‌گذارد و حاصلی است از دوران جنگ؛ اما نه به شکل و شیوه‌ای باسما‌ی. پس از همین جنگ بود با آن همه کشتار و ویرانی ساختارهای سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی که «بکت» می‌آید و تأثیر همه این‌ها را در دل «در انتظار گودو» می‌کارد اما با هوشی سرشار، خلاقه، بینش‌مند و البته هنرمندانه. تاریخ تئاتر شهادت می‌دهد که بزرگ‌ترین آثار هنری همیشه در پیوند با زندگی جمعی و حوادث بزرگ جامعه بشری زیست کرده‌اند و همیشه همین بوده و آثار بزرگ بدون توجه به بشر و حیات اجتماعی او، لقب بزرگی و اهمیت دریافت نکرده‌اند و از همین پیوند بوده که به آثاری مهم در ادبیات نمایشی جهان تبدیل شده‌اند.

رد پای درد مشترک انسان‌ها

مسعود دلخواه  
کارگردان تئاتر

وقتی چنین مسأله عالمگیری خرد و کلان جهان را با تهدید مرگ روبه‌رو کرده است و انسان استیصال خود را در برابر ویروس‌های این چنین کوچک به تماشا نشسته، طبیعی است همان‌طور که بر تمام ارکان زندگی بشر سایه بیندازد، روی آثاری که همین بشر خلق خواهد کرد تا رازی چنین دورانی باشد نیز تأثیرگذار خواهد بود. به شخصه به این موضوع و تأثیراتش بر حیات بشر امروز فکر می‌کنم و می‌بینم از جزئی‌ترین و کوچک‌ترین شکل تأثیر تا کلی‌ترین و مهم‌ترینش می‌توان سوژه بیرون کشید و طرح و ایده برای نوشتن. واقعاً دلم می‌خواهد در اوایلین فرصت بنشینم و این طرح‌ها را بنویسم؛ طرح‌هایی که اصولاً می‌خواهد از شرایط بسیار باورناپذیر امروز و آینده مبهم، غیر روشن و به نوعی نامنی هستی انسان را یادآوری کند. جهان تجربه زندگی در جنگ جهانی دوم و سپس از آن را دارد که اثراتش کم و زیاد به تمام جهان سرایت کرد و اگر چه نسبت به موضوع کرونا، کمی امیدوارکننده‌تر به‌نظر می‌رسید اما رد پای بزرگ آن را در هنر و فلسفه غرب می‌بینیم که به فلسفه اگزیستانسیالیستی و هنر ابزورد منتهی شد. جهان پس از خاموشی جنگ، تازه با وضعیتی ابزورد از زندگی مواجه شد و این وجه از سؤال شکل گرفت که واقعاً انسان تا کجا در برابر شگفتی‌ها و راز و رمزهای زندگی و مرگ ناآگاه است و این سؤال به دل هنر و فرهنگ و ادبیات رفت و علوم انسانی را از خود لبریز کرد. در دوران کنونی و در وضعیت کرونا هم در جایی که امروز ایستاده‌ایم شکل مشخص و دقیقی از زمان و شرایط به پایان رسیدن این بحران پیش روی‌مان وجود ندارد و نمی‌توانیم از آنچه بعد از تمام شدن این وضعیت تجربه خواهیم کرد حدس و گمان دقیقی داشته باشیم پس شکل بروز و ظهور تأثیراتش هم غیرقابل پیش‌بینی است. با این‌همه می‌توان حدس زد که پساکرونا، دوره تشنگی است و حرف زدن درباره آنچه بشر در این دوران تجربه کرد و پرداختن به سوبیه‌های مختلف آن. پیش‌بینی من این است که رد پای در مشترک انسان‌ها در آثار آیندگان به‌صورت منطقی دیده خواهد شد. به این دلیل که این بحران نه بومی و نه منطقه‌ای و نه سرزمینی، بلکه کاملاً جهانی است و وقتی می‌بینیم کرونا آدابی جهان‌شمول از رعایت پروتکل‌های بهداشتی تا انزوا ی خانگی و قرنطینه را برای همه مردم دنیا رقم زده متوجه می‌شویم که این شکل از شباهت چیزی است علیحده که پیش‌تر از این وجود نداشته و برای یک هنرمند، مثلاً یک نمایشنامه‌نویس چه سوژه‌ای بکرتر از این. کرونا، نشان داد که انسان چه بیپوده بر سر قدرت حرص می‌زند و چه باعجله و سهل‌انگارانه منابع طبیعی را از بین می‌برد. شاید پس از قرن‌ها، اولین بار است که انسان دوباره به جایگاه مقدس طبیعت در کل جهان و به‌صورت یکپارچه و جهانی فکر می‌کند و از طرفی دیگر سرنوشت ترازیک قربانیان و شکل مرگشان دستمایه‌ای است برای نوشتن از رنج بشر به اشکال گوناگون. با بحث تحریم‌هایی که شرایط را برای ضروری مثل ما بسیار دشوار کرده یا بی‌خردی و آماده نبودن برای برخورد با چنین مسأله‌ای که می‌تواند در هر جای جهان اتفاق بیفتد. همه اینها تیتروار سوژه‌هایی هستند که می‌توانند محل نوشتن باشند و ایده‌ای برای نوشتن. کرونا باعث شده انسان‌ها ماهیت خود را دوباره مرور کنند. کرونا در دستی مرگ آورد و در دست دیگرش، هدیه‌ای افشاگرانه که می‌خواست انسان‌ها را در سطوح مختلف جامعه با نتیجه کارشان آشنا کند و ماهیت‌ها را نشان بدهد. این افشاگری جهانی جزو محسّنات کروناست و حتی افشاگری‌های فردی و بیرون‌ریزی انسان‌هایی که از در خانه ماندن و تنهایی می‌ترسند و حالا فهمیده‌اند که از این شکل تنهایی می‌ترسند. اینجاست که عیان می‌شود انسان‌های صبور، بی‌وزمندان این دوران هستند. همه ما در مرز افشا شدن هستیم که تا چه حد از مرگ می‌ترسیم یا در چنین موقعیتی شعور جمعی خواهیم داشت یا همان‌طور که گفتیم چقدر اصرار داریم آیین‌های غیرمذهبی مثل فوتبال و... جایگاه خود را نشان می‌دهد که کدام اهمیت داشته و کدام نه. همه اینها قیمتی است که ما آن را پرداخت خواهیم کرد تا به خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم نگاهی دوباره بیندازیم.